



شماره ثبت: ۲۷۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	کذب
۲.....	مبحث چهاردهم: کذب در مداليل التزامی.....
۲.....	دليل منع موضوع صدق و کذب مداليل التزامی.....
۲.....	وجه اول.....
۳.....	وجه دوم: نظر امام (ره).....
۳.....	جواب نظر امام (ره).....
۴.....	مبحث پانزدهم: انحلال جمله کاذبه.....
۴.....	جمع بندی.....
۴.....	کذب در عام استقراری.....
۵.....	جمع بندی.....



کذب

مبحث چهاردهم: کذب در مدالیل التزامی

سؤال این است در مدلولات التزامی، کذب و صدق جاری است؟ یا اینکه فقط مدلول مطابقی شامل کذب و صدق می‌شود.

مقصود از مدلول التزامی، خبری است که در متفاهم عرفی از یک جمله‌ای استفاده می‌شود. وقتی جمله‌ای را بگویید، ملازم این است که جمله‌ی دیگر را گفته باشد. مثلاً وقتی کسی می‌گوید: قلم نی را بیاور، معلوم است که دو امر می‌کند، یکی قلم و دیگری دوات و جوهر را بیاور. اگر همین جمله خبری بشود، مثلاً بگوید فلانی قلم را آور. ظهور در این دارد که دوات را نیز آورده است.

یا مثلاً زید و امر همیشه با هم هستند و در فضای عرفی بین این‌ها تلازمی برقرار شده است. مثلاً اگر بگویید که زید فلان جا می‌رود، امر نیز همان‌جا می‌رود.

اگر سؤال کنیم که آیا صدق و کذب در اخباراتی که به نحو التزامی آن را متوجه می‌شویم، جریان دارد؟ باید بگوییم که جریان دارد. همان‌طور که قبل عرض کردیم، چیزی که محور کذب است، لازم نیست قول باشد، ممکن است کتابت یا اشاره باشد. در اینجا مدلول قولی وجود دارد. مدلول نیز دال بر معنا است. قضیه و جمله‌ای که از کلام کسی استفاده می‌شود، می‌تواند موضوع کذب باشد.

در مثال امیر و زید، وقتی زید کلاس می‌رود، امیر نیز کلاس رفته است. یعنی دو خبر صدق در اینجا داده شده است. در نتیجه، می‌تواند کذب نیز صادق باشد.

دلیل منع موضوع صدق و کذب مدالیل التزامی

برای این احتمال که نفی صدق و کذب در مدالیل التزامی را می‌گویند، چند وجه دارد:

وجه اول

محور صدق و کذب، اقوال است و کلام و اخباری است که از متکلم صادر بشود. همان قالب‌های لفظی از متکلم صادر بشود.



شماره ثبت: ۲۷۳۰

جواب این وجه روشن است. جملات و خبرهایی که حدیث النفس است، مصداق صدق و کذب نیست. مادامی که جمله‌ای در نفس کسی باقی باشد و در فضای عرفی نیاید، موضوع صدق و کذب نیست. اما اگر از حدیث النفس خارج شد و فرض این است که مستمعی دارد و در فضای خبر افاده بشود. بیش از این ملاک نیست. در مدلول‌های التزامی نیز همین شروط جریان دارد. حتی در فضاهای عرفی به این احتجاج می‌شود. اگر مولا امر کرد که قلم بیاور، می‌گوید دوات را بیاور.

در مفهوم شرط بنا بر بعضی اقوال، همان مدلول التزامی جمله شرطیه است. و همین کافی است که موضوع صدق و کذب بشود.

وجه دوم: نظر امام (ره)

حضرت امام (ره) ذیل کلامی به این وجه اشاره می‌کنند. یک اشکال نقضی ایشان بر مدلولات التزامی دارند. اگر صدق و کذب در مدالیل عقلی و التزامی جاری باشد، یک تالی و مفسده‌ای که شما به آن ملتزم نیستید. و آن تالی فاسد را در مثالی روشن می‌کنند:

اگر کسی به دروغ بگوید امروز سه‌شنبه است. (واقع چهارشنبه است). سه‌شنبه بودن مستلزم این است که دیروز دوشنبه بوده و فردا چهارشنبه باشد. یعنی حرفی را زد که باید قبل و بعد آن را تصرف کرد. اگر بخواهیم بپذیریم که کذب اختصاص به مدلول مطابقی ندارد، لازمه‌اش این است که یک خبر، بی‌نهایت خبر کذب التزامی داشته باشد. زیرا می‌دانیم که مدلول التزامی جمله (امروز سه‌شنبه است) کذب است. اما این مستلزم است که در تمام روزهای قبل و بعد، تصرف کرده باشد. به این کذب بی‌نهایت نیز نمی‌توانیم قائل بشویم در نتیجه باید بگوییم مدالیل التزامی مشمول صدق و کذب نیستند.

جواب نظر امام (ره)

چند قید و شرط در کذب وجود دارد:

۱. مدلول التزامی یعنی لزوم بین به معنای اخص.

۲. کذب خبری ملاک نیست. کذب باید مخبری باشد. باید اراده و استعمال آن به غیر واقع باشد.

۳. به داعی جد باشد.

عرف از مثال امام (ره) که دروغ سه‌شنبه را گفته است، بی‌نهایت دروغ استفاده نمی‌کند. حتی اگر عرف هم برداشت کند، نیت و اراده متکلم مهم است. و شخص این اراده را ندارد.



بدین ترتیب این نقض، وارد نیست.

مبحث پانزدهم: انحلال جمله کاذبه

این مبحث، انحلال جمله کاذبه است. گاهی خبر، بسیط و واحد است. مثلاً زید آمد و یا نیامد. اما گاهی جملات، به نحو عموم و شمول و مجموعه‌ای دارد. مثلاً این خانه خراب شد، در حقیقت می‌خواهد بگوید هیئت ترکیبیه از هم پاشیده شده است. در اینجا کاری به اجزا ندارد. به مجموعه کار دارد. یا مثلاً لشکر شکست خورد، نگاه متکلم به تک‌تک افراد نیست، بلکه لشکر بماهو لشکر، شکست خورد. در این دو مثال و نوع، هیچ انحلالی وجود ندارد. اما نوع خبری داریم که خبر از مجموعی است که حالت انحلالی دارد. عام استقراری است.

(عام مجموعی مثل: ایمان به ائمه (علیهم‌السلام) که ایمان به آن‌ها عام مجموعی است و تک‌تک موضوعیت مستقل ندارد. یا مثل لشکر.

عام استقراری: مثل اکرم العلما، اکرم العلما به تعداد عالم منحل می‌شود.)

جمع‌بندی

مفاد خبر گاهی شخص واحد است، گاهی مجموعه و مرکب به نحو عام مجموعی است و گاهی به نحو عام استقراری است. در قسم اول و دوم، محل بحث نیست. در قسم اول، یک خبر واحد است. در قسم دوم نیز کذب واحد است. مثلاً شهر دچار وبا شد.

کذب در عام استقراری

اما در حالت سوم، جواب واضحی وجود ندارد و دو احتمال وجود دارد:

۱. کذب واحد است. مدلول‌های تضمینی و انحلالی، ملاک صدق و کذب نیست.
۲. منحل می‌شود. به تعدد افراد منحل می‌شود. انحلال آن نیز عرفی است. گاهی به صورت افترا می‌گوییم اهل این شهر مبتلا به خمرند. این یک افترا نیست بلکه به هزارها نفر افترا می‌زند.



شماره ثبت: ۲۷۳۰

حالت چهارم و پنجمی نیز موجود است.

حالت چهارم این است که به صورت طبعی یک جمعی را بگوید مثلاً یزدی‌ها ترسو هستند. در اینجا انحلال شمول ندارد.

حالت پنجم نیز گروه نامعینی در مجموع است. این نیز حکم واحد دارد و انحلال در آن نیست.

جمع‌بندی

در قسم اول و دوم و چهارم و پنجم، انحلالی بعید است. ولی در قسم چهارم، انحلال وجود دارد.